

## معلم مسلط؛ طراحی موفق

مرور چند اصل در مخاطب‌شناسی برای طراحی آموزشی

ابراهیم اصلانی

روانشناس تربیتی

پیش آمده که برای یک کار فنی، تعمیرکاری را منزل آورده‌اید. طرف کارش را بلد بوده، ولی تا بخواهد کار را تمام کند، شما را کلافه کرده است. گاهی تعمیرکار در قسمتی از کارش دچار مشکل می‌شود یا به اصطلاح، گیر می‌کند و تا بخواهد این گیر را تشخیص دهد و راه‌حل را بیابد، هم خودش و هم شما را دچار زحمت زیادی می‌کند. یکی از رموز موفقیت در هر نوع کار و مهارتی «تسلط» است. تسلط به معنای بسیار ساده آن است که فرد نه تنها کارش را بلد است، بلکه برای هر نوع پیچیدگی و دشواری و هر موقعیت پیش‌بینی نشده، به سرعت راه‌حلی را پیدا می‌کند و در صورت لزوم، روش جدیدی را می‌آفریند.

معلمان مسلط هم در کارشان با بقیه معلم‌ها فرق دارند و بخش عمده‌ای از این تفاوت در طراحی آموزشی دیده می‌شود. چنین معلمی، هم متناسب با ویژگی‌های دانش‌آموزان آموزش را طراحی می‌کند و هم همیشه برای موقعیت‌های جدید فکر و ایده جدیدی را پیدا می‌کند. اگر به سوابق ذهنی خودتان از معلمانی که تأثیرگذاری زیادی داشته‌اند مراجعه کنید، می‌بینید که آن‌ها هم فوت‌وفن معلمی را خوب بلد بودند و هم برای موقعیت‌های متفاوت، ایده‌های متفاوتی را طراحی می‌کردند.

یک معلم عادی و حتی کاربلد، به‌طور معمول در طراحی آموزشی، یک یا چند روشی که تصور می‌کند جواب داده است را در پیش می‌گیرد و با همان ادامه می‌دهد. اما یک معلم مسلط خود را به یک یا چند روش محدود نمی‌کند و علاوه بر روش‌های معمول، متناسب با تغییرات، ویژگی‌های متفاوت فردی و گروهی و سایر موقعیت‌های جدید و پیش‌بینی نشده، از روش‌های متنوع و نوینی برای طراحی آموزشی استفاده می‌کند. این موضوع یکی از مباحث مورد علاقه من را پیش می‌آورد که بحث «معلم حرفه‌ای» است. در کشور ما تا زمانی که معلمی نه به عنوان یک شغل دولتی با حقوق مشخص، بلکه به عنوان یک شغل حرفه‌ای و متناسب با شؤونات آن در نیامده است، پیشبرد بسیاری از اهداف تربیتی و برنامه‌های تخصصی دشوار خواهد بود.

فارغ از بحث معلم حرفه‌ای و با اکتفا به همان موضوع معلم مسلط، به چند اصلی که یک معلم در مخاطب‌شناسی طراحی آموزشی باید بدان‌ها توجه داشته باشد، به اختصار اشاره می‌کنم.

### اول- طراحی آموزشی رویکردی منسجم و منظم است.

گاهی معلمان در جریان آموزش به تجربه‌هایی اشاره می‌کنند که ناگهانی و به اصطلاح «یهویی!» است. مثلاً معلمی می‌بیند در جریان آموزش یک مفهوم ریاضی، دانش‌آموزان با مشکل مواجهند؛ بعد یهویی در ذهنش جرقه می‌زند که فلان کار را بکند. همان کار را انجام می‌دهد و البته از دید خودش نتیجه هم می‌گیرد. با دقت در جزئیات و مبانی بسیاری از چنین روش‌های ناگهانی، اشکالات عمده‌ای به چشم می‌آید.

وقتی از انسجام و نظم در طراحی آموزشی سخن می‌گوییم، یعنی اقداماتی که مبتنی بر تحلیل نیازها و اهداف است و همچنین روش ارزشیابی مشخصی برای آن

پیش‌بینی شده است. هر اقدام برای طراحی آموزشی باید مستند به شواهد علمی و تجربی قابل قبول بوده و در آن به جنبه‌های گوناگون تربیتی توجه شده باشد.

### **دوم- طراحی آموزشی مبتنی بر ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان است.**

سال‌ها پیش که در دبستان کار می‌کردم، همکاری داشتیم که در پایه پنجم تدریس می‌کرد. شادروان **حاتم ابراهیمی** از آن گروه معلمان مسلط بود که علاوه بر کاربلدی، برای موقعیت‌های متفاوت هم ایده و برنامه‌ای داشت. یکی از وجوه شاخص این معلم، توجه جدی به ویژگی‌های سنی دانش‌آموزان بود که مصداق بارز آن را می‌شد در آموزش‌های ملموس و عینی دید. حاتمی براساس دیدگاه‌های پیازه برای گروه سنی 6 تا 12 سال، به‌خصوص در درس ریاضی سعی می‌کرد از آموزش عینی سود ببرد. او برای سهولت آموزش محیط و مساحت، اشکال ریاضی را با استفاده از چوب طراحی و در کلاس نصب کرده بود.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای «روان‌شناسی» رشد این است که نشان می‌دهد کدام ویژگی و رفتار بهنجار و کدام نابهنجار است. شناخت هنجارها موجب می‌شود معلم آنچه که به یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند را طراحی کند. معلمی که می‌داند یادگیری بر اساس ملموسات ویژگی طبیعی دانش‌آموز دبستانی است، در درس گوناگون از ذهنی کردن آموزش‌ها و تأکید بر موضوعات انتزاعی اجتناب می‌کند.

### **سوم- طراحی آموزشی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه دارد.**

همکاری داشتیم که آموزگار پایه اول دبستان و معلمی بسیار موفق بود. گاهی که به دلیلی به کلاس او می‌رفتم، می‌دیدم که دانش‌آموزان چندان در کلاس محدود نیستند. مثلاً وقتی او داشت به تکالیف نگاه می‌کرد، بچه‌ها به راحتی می‌توانستند به سراغ همدیگر بروند یا چیزی از همدیگر بگیرند. برای کسی که با مسائل تربیتی آشنا نبود، این وضعیت غیرعادی به نظر می‌رسید، ولی خود آموزگار می‌دانست که چه می‌کند و چگونه باید از ویژگی متفاوت هر دانش‌آموز به نفع کلاس بهره ببرد. او معلم مسلطی بود که به خوبی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه می‌کرد.

در طراحی آموزشی اگر چه معلم برای همه کلاس برنامه‌ریزی می‌کند، اما از تفاوت‌های فردی هم غافل نیست. علاوه بر مباحث رایج در باره تفاوت انسان‌ها در ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌ها و مهارت‌ها، در حال حاضر موضوعاتی مانند هوش‌های چندگانه، می‌تواند به معلمان درک بهتری از تفاوت‌های فردی بدهد تا آنان در طراحی آموزشی ظریفتر و آگاهانه‌تر عمل کنند.

### **چهارم- طراحی آموزشی به تقویت انگیزه‌های دانش‌آموزان منجر می‌شود.**

در دبیرستان وضعیت من در درس زیست‌شناسی متوسط رو به پایین بود. سال سوم شانس آوردم و با دبیری مواجه شدم که خیلی متفاوت تدریس می‌کرد. مهم‌ترین شاخص آقای اکبری، توانایی‌اش در ایجاد انگیزه برای یادگیری بود. او به قدری فعال، پرتحرک، جذاب و مؤثر درس می‌داد که کسی نمی‌توانست آموزش او را نادیده بگیرد. اکبری بعضی جزئیات به ظاهر بی‌اهمیت را برجسته می‌کرد و ما تازه می‌فهمیدم که چه موضوعات جالبی برای دانستن و یاد گرفتن وجود

دارند. به تفاوت‌ها هم دقت داشت و سعی می‌کرد هر کس را متناسب با توانایی خود هدایت کند.

هیچ موضوع تربیتی بدون در نظر داشتن موضوع «انگیزش» به نتیجه موردنظر نخواهد رسید. در طراحی آموزشی هم توجه به انگیزش، هم به بعد عاطفی و هم به بعد شناختی آموزش کمک می‌کند.

### **پنجم- طراحی آموزشی نباید از توانایی‌های دانش‌آموزان فراتر برود.**

گاهی مدارس و معلمان با توجیه‌های گوناگون، توانایی‌هایی فراتر از توانایی‌های قابل انتظار دانش‌آموزان را هدف قرار می‌دهند. یکی از مصادیق این تلاش، آماده‌سازی دانش‌آموزان برای آزمون‌های تیزهوشان، المپیادی و مدارس پرمشتری است. گاهی هم در مدارس خاص، دانش‌آموزان تحت فشارهای سخت آموزشی قرار می‌گیرند، چون تصور بر این است که دانش‌آموزان برتر را جذب کرده‌اند و آموزش آن‌ها باید با دانش‌آموزان عادی متفاوت باشد. در این مجال، چندان جای بحث در باره ابعاد این نگرش و رفتار وجود ندارد، اما با اطمینان می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از آن نادرست است. تلاش برای آموزش خواندن در قبل از دبستان و انواع برنامه‌ای تبلیغاتی و تجاری برای تیزهوش ساختن دانش‌آموزان یا خلاق بار آوردن‌شان، نمونه‌های دیگری از تصورات نادرست در طراحی آموزشی است.

اگر چه می‌شد این اصل در قالب اصل رعایت تفاوت‌های فردی هم گنجانده، اما تأکید بر آن بدین جهت است که گاهی در طراحی آموزشی ویژگی‌های فطری و طبیعی انسان نادیده گرفته می‌شود. این موضوع در دوره ابتدایی به نوعی و بیشتر از جنبه ویژگی‌های رشدی اهمیت دارد و در دوره متوسطه از جنبه دیگر و به‌خصوص توجه به پیش‌نیازهای یادگیری مهم است.

### **ششم- طراحی آموزشی به تنوع در روش‌ها و مواد آموزشی توجه دارد.**

مدرسه هم آزمایشگاه داشت و هم کارگاه؛ اما مدیر برای واداشتن معلمان برای استفاده از این امکانات باید به انواع ترفندهای تشویقی و تحمیلی متوسل می‌شد. در این میان، فقط یک نفر یعنی آقای شکوفه، دبیر ریاضی نه تنها به استفاده از کارگاه اصرار داشت، بلکه کارگاه اختصاصی هم برای ریاضیات تدارک دیده بود. شکوفه در آموزش ریاضی موفق‌تر از بقیه عمل می‌کرد و معتقد بود که باید با تنوع در ابزارها و روش‌ها، ریاضی را برای دانش‌آموزان شیرین ساخت.

از دید مخاطب‌شناسی، یکی از اصول طراحی آموزشی درست، رعایت تنوع در روش‌ها و مواد آموزشی است. بنابراین، با در نظر گرفتن اصل اول، باید به تنوعی روی آورد که مبتنی بر یافته‌های علمی و تجربی باشد. معمول آن است که معلم روش‌های مشخص و ثابتی را برای آموزش در پیش بگیرد و در مورد مواد آموزشی هم از آن‌چه در اختیار دارد یا در اختیار او گذاشته می‌شود، استفاده کند. اما معلم مسلط در طراحی آموزشی هم به انتخاب مواد آموزشی دست می‌زند و هم این کار را توسعه می‌دهد. او اگر مواد مناسبی برای بخشی از اهدافش نداشت، ابتکار به خرج داده و خودش مواد لازم را تدارک می‌بیند؛ یعنی یا خودش مواد لازم را می‌سازد یا عوامل مدرسه را وامی‌دارد تا آن‌ها را تهیه کند. البته شاید این‌گونه موارد کمتر پیش بیاید، اما گاهی ضرورت‌هایی منجر به تغییرات و نوآوری‌هایی در طراحی آموزشی می‌شوند.

\*\*\*

چرا اقداماتی چون: طرح‌درس‌نویسی، تلفیق آموزش با پژوهش، توسعه روش‌های نوین تدریس، استفاده از مواد آموزشی متنوع و مشارکت دادن یادگیرندگان در فرایند یادگیری بین عده‌ای از معلمان کم‌مشتتری است؟ شاید بخشی از پاسخ این سؤال را بتوان در نکاتی یافت که در بالا گفتم. البته یادآوری می‌کنم که مهم‌تر از اصول، نقش معلم مسلط - و در مفهوم کامل‌تر، معلم حرفه‌ای - در طراحی آموزشی است. بدون معلم کاربلد و مسلط، طراحی آموزشی معنای چندانی نخواهد داشت.

15 تیر ماه 1394